**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه259– 01 /02/ 1399 مراد از ثلاثة اشهر /مساله‌ی دهم /متن تکمله‌ی عروه /اقوال فقها**

**خلاصه‌ی مباحث گذشته:**

بحث در مساله‌ی دهم تکمله‌ی عروه و نحوه‌ی محاسبه‌ی «شهر» بود. بیش تر مطالب بیان شد و چند نکته باقی مانده است.

# مبتدئه‌ی مستمرة الدم

در مورد مبتدئه‌ی مستمرة الدم در بعضی روایات آمده است که ده روز خود را حائض قرار دهد و سپس بیست روز به وظایف مستحاضه عمل کند و در ماه دوم سه روز خود را حائض قرار دهد و بیست و هفت روز به وظایف مستحاضه عمل کند:

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حُكَيْمٍ عَنْ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: الْمَرْأَةُ إِذَا رَأَتِ الدَّمَ فِي أَوَّلِ حَيْضِهَا فَاسْتَمَرَّ بِهَا الدَّمُ بَعْدَ ذَلِكَ تَرَكَتِ الصَّلَاةَ عَشَرَةَ أَيَّامٍ ثُمَّ تُصَلِّي عِشْرِينَ يَوْماً فَإِنِ اسْتَمَرَّ بِهَا الدَّمُ بَعْدَ ذَلِكَ تَرَكَتِ الصَّلَاةَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ صَلَّتْ سَبْعَةً وَ عِشْرِينَ يَوْماً.[[1]](#footnote-1)

در روایت دیگر آمده است که زن شش یا هفت روز خود را حائض قرار دهد و بیست و سه یا بیست و چهار روز به وظایف استحاضه عمل کند:

«... أَمَّا السُّنَّةُ الثَّالِثَةُ فَهِيَ الَّتِي لَيْسَ لَهَا أَيَّامٌ مُتَقَدِّمَةٌ وَ لَمْ تَرَ الدَّمَ‏ قَطُّ وَ رَأَتْ أَوَّلَ مَا أَدْرَكَت‏ ... تَحَيَّضِي فِي كُلِّ شَهْرٍ فِي عِلْمِ اللَّهِ سِتَّةَ أَيَّامٍ أَوْ *سَبْعَةً* ثُمَّ اغْتَسِلِي غُسْلًا وَ صُومِي *ثَلَاثَةً وَ عِشْرِينَ* يَوْماً أَوْ أَرْبَعَةً وَ عِشْرِين‏ ... وَ هَذِهِ سُنَّةُ الَّتِي اسْتَمَرَّ بِهَا الدَّمُ أَوَّلَ مَا تَرَاهُ أَقْصَى وَقْتِهَا سَبْعٌ وَ أَقْصَى طُهْرِهَا ثَلَاثٌ وَ عِشْرُون‏ ... فَسُنَّتُهَا السَّبْعُ وَ الثَّلَاثُ وَ الْعِشْرُونَ»[[2]](#footnote-2)

هر دو روایت ماه را سی روز گرفته اند.

## کلام مرحوم امام در کتاب الطهارة

مرحوم امام در کتاب الطهارة می فرماید:

لو صادف أوّل الرؤية أوّل الشهر الهلالي، وجب عليها في السبع الأوّل منه التحيّض، و في بقيّة الشهر الصلاة و إن كان ناقصاً. و ذكر الثلاثة و العشرين إنّما هو لأجل كون الوقوع في أوّل الهلالي نادراً، خصوصاً في صورة نقصان الشهر، و الغالب وقوعه بين الهلالين، فيجب عليها التلفيق و الأخذ بالثلاثة و العشرين.[[3]](#footnote-3)

کلام مرحوم امام مبتنی بر این است که اگر مبدا محاسبه هم زمان با اول هلال باشد، ماه هلالی را باید در نظر گرفت؛ اما اگر وسط ماه باشد، ماه عددی را باید در نظر گرفت.

گفتیم این مطلب به نوعی استعمال لفظ در اکثر از معناست. باید «شهر» را یا عددی در نظر گرفت و یا هلالی در نظر گرفت.

در بحث مبتدئه از روایات استفاده می شود که «شهر» به صورت عددی لحاظ شده است.

## کلام سید یزدی در عروه

مسألة المراد من الشهر ابتداء رؤية الدم إلى ثلاثين يوما‌ و إن كان في أواسط الشهر الهلالي أو أواخره‌[[4]](#footnote-4)

با توجه به مطلب مرحوم امام در کتاب الطهارة، مرحوم امام باید ذیل این کلام سید یزدی حاشیه می آورد، اما حاشیه ای نیاورده است.

در مبتدئه‌ی مستمره، شارع سی روز ( ماه عددی) را ملاک قرار داده است.

# صوم شهرين متتابعين

## کلام مرحوم آقای خویی در المستند فی شرح عروة الوثقی

مرحوم آقای خویی در المستند فی شرح عروة الوثقی می فرماید:

ذكر المحقق في كتاب الشرائع جواز التلفيق في صوم شهرين متتابعين، فيجوز له أن يصوم الشهر الأول مقدارا منه في شهر و مقدارا منه في الشهر الثاني. و ذكر انه لا بد في التتميم من عد ثلاثين يوما و ان كان الشهر الأول ناقصا.

و يظهر من صاحب الجواهر (قده) التسالم علي جواز ذلك و ان كان قد تنظر في لزوم العد ثلاثين يوما ان كان الشهر الأول ناقصا. و لكن الظاهر عدم جواز ذلك، فان الشهر حقيقة فيما بين الهلالين قال اللّه سبحانه إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللّهِ اثْنا عَشَرَ شَهْراً، و إطلاقه على ثلاثين يوما الملفقة من شهرين يحتاج إلى العناية فإنه على خلاف المعنى الحقيقي و انما يصار اليه فيما إذا قامت قرينة عليه[[5]](#footnote-5)

مرحوم آقای خویی می فرماید: کفایت شهر ملفق نیازمند قرینه است، در بحث عده‌ی وفات که چهار ماه و ده روز می باشد و در عده‌ی «ثلاثة اشهر» قرینه‌ی خارجی وجود دارد که ملفق هم کفایت می کند؛ زیرا علم به مرگ یا طلاق به ندرت اول هلال اتفاق می افتد و عده هم با علم به مرگ یا وقوع طلاق آغاز می شود، همین قرینه می شود که منظور از «شهر» مقدار ماه می باشد.

در انتها می فرماید:

و المتحصل انه يستفاد من هذه الروايات بوضوح ان اللازم صوم شهر هلالي كامل و لا يجزى التلفيق في مقام الامتثال و ان كان لم نعثر على من تنبه لذلك و اللّه العالم.[[6]](#footnote-6)

می فرماید: در مقام امتثال، تلفیق کفایت نمی کند، اگر چه کسی به این مطلب اشاره نکرده است.

این که کسی به این مطلب تنبه نداده است، بیان گر این است که «شهر» در این موارد به معنایی که ایشان می فرماید، نیست. ملاک ظهور نوعی دلیل می باشد. این که کسی متوجه این مطلب نشده است، پس دلیل ظهوری در این مطلب ندارد.

گاهی جمع عرفی هایی به ذهن می رسد که هیچ کس به این شکل جمع عرفی نکرده است؛ در نتیجه جمع عرفی متصور خیلی بعید است. بله گاهی منشا عدم توجه به این جمع عرفی، عدم توجه به روایت متعارض است؛ یا روایت در جای پنهانی بوده است که در این صورت جمع عرفی متصور ممکن است صحیح باشد.

ملاک اصلی در کشف ظهور، ظهور نوعی عبارت نزد مخاطبین معاصر معصوم می باشد.

شهید صدر می فرماید: عرف متعارف ظهور شخصی را قرینه قرار می دهد که نوعا از عبارت همین طور فهمیده می شود؛ یعنی ظهور شخصی، اماره‌ی عقلایی برای فهم ظهور نوعی است.

اگر شخصی عبارتی را طوری برداشت کند که هیچ یک از معاصرینش آن طور نمی فهمند، در این صورت آیا آن شخص می تواند بگوید برداشتش از عبارت همان معنایی است که عرف متعارف معاصر معصوم می فهمیدند؟ دلیلی وجود ندارد که عرف متعارف زمان معصوم مانند این شخص بفهمند و مانند سایرین نفهمند.

آقای خویی می فرماید: هیچ یک از علما از روایات، عدم کفایت تلفیق نفهمیده اند؛ یعنی ظهور روایت را در اعم از تلفیق دانسته اند؛ اما ایشان این ظهور را اعم ندانسته و از روایت عدم کفایت تلفیق را برداشت کرده است.

آیا دلیلی وجود که معاصرین معصوم هم این طور می فهمیدند؟ اصالة الثبات در ظهور هم این است که ظهور نوعی کنونی با ظهور نوعی زمان معصومین علیهم السلام یکسان است.

فقها روایات «شهرین» را به معنایی که تلفیق را هم شامل می شود، فهمیده اند؛ در نتیجه نمی توان گفت ظهور عبارت در زمان ائمه علیهم السلام طبق ظهور نوعی فعلی نیست.

بله گاهی نمی دانیم عرف متعارف از عبارتی چه مطلبی را می فهمند، فهم شخصی اماره‌ی فهم نوعی می شود؛ اما در جایی که می دانیم نوع مردم طور دیگری می فهمند، معنا ندارد، ظهور شخصی اماره‌ی ظهور نوعی باشد.

## کلام سید ابوالحسن اصفهانی در وسیلة النجاة

مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی در وسیلة النجاة می فرماید:

من وجب عليه صيام شهرين، فإن شرع فيه من أوّل الشهر يجزي هلاليّان و إن كانا ناقصين، و إن شرع في أثناء الشهر و إن كان فيه وجوه بل أقوال، و لكن الأحوط انكسار الشهرين و جعل كلّ شهر ثلاثين، فيصوم ستّين يوماً مطلقاً؛ سواء كان الشهر الذي شرع فيه مع تاليه تامّين أو ناقصين أو مختلفين. و يتعيّن ذلك بلا إشكال فيما إذا وقع التفريق بين الأيّام بتخلّل ما لا يضرّ بالتتابع شرعاً.[[7]](#footnote-7)

### کلام مرحوم امام در حاشیه‌ی وسیلة النجاة

مرحوم امام در حاشیه می فرماید:

أوجهها تكسير الشهرين و تتميم ما نقص، فلو شرع فيه عاشر شوال يتمّ بصيام تاسع ذي الحجّة؛ من غير فرق بين نقص الشهرين أو تمامهما أو اختلافهما.[[8]](#footnote-8)

در این جا مرحوم امام همان مطلبی که ما گفتیم را بیان می کند که تلفیق به این صورت است که مقدار ناقصی از ماه اول را با ماه آخر کامل کند.

### کلام مرحوم آیت الله گلپایگانی در حاشیه‌ی وسیلة النجاة

مرحوم آیت الله گلپایگانی در حاشیه‌ی وسیلة النجاة می فرماید:

و ان كان الأقوى كفاية تكميل ما أفطر من الأول من الشهر الثاني ثم الشروع في الثاني و تكميل ما احتسبه للأول من الثالث، سواء كانا تامين أو ناقصين أو مختلفين.[[9]](#footnote-9)

مرحوم آیت الله گلپایگانی و مرحوم امام دو ماه هلالی ( ماه اول ملفق با ماه سوم) را کافی دانسته اند؛ اما ابهامی در کلامشان هست که در صورتی که فاصله ای که به تتابع ضرر نمی زند، ایجاد شود، آیا باز هم دو ماه هلالی را کافی می دانند؟

مرحوم امام در تحریر الوسیلة این صورت را بیان کرده است.

### کلام مرحوم امام در تحریر الوسیلة

و إن شرع في أثنائه ففيه وجوه بل أقوال، أوجهها تكسير الشهرين و تتميم ما نقص، فلو شرع فيه عاشر شوال يتم بصيام تاسع ذي الحجة من غير فرق بين نقص الشهرين أو تمامهما أو اختلافهما، و الأحوط صيام ستين يوما، و لو وقع التفريق بين الأيام بتخلل ما لا يضر بالتتابع شرعا يتعين ذلك و يجب الستين.[[10]](#footnote-10)

مرحوم امام در صورت تخلل شصت روز ( دو ماه عددی) را ملاک دانسته است.

این کلام امام هم ابهام دارد. در صورتی که تخللی واقع شود که به تتابع ضرر نمی زند، اگر از اول هلال آغاز کند، آیا باز هم باید شصت روز روزه بگیرد یا می تواند هلالی در نظر بگیرد؟

اگر گفته شود در مواردی که از اول هلال شروع می کند، ماه هلالی ملاک است و در مواردی که در اثناء ماه شروع می کند، ماه عددی ملاک است، استعمال لفظ در اکثر از معنا خواهد بود.

مثلا اگر معنای حقیقی عالم، مطلق عالم باشد و معنای مجازیش، عالم عادل باشد، اگر استعمال عالم در بعضی موارد مطلق عالم باشد و در بعضی موارد عالم عادل باشد، استعمال لفظ در اکثر از معنای بسیار غریبی است و عرفی نمی باشد.

بنابراین یا ماه هلالی به صورت تلفیق کافی است و یا ماه عددی و سی روز کافی است؛ نه این که در بعضی حالات ماه هلالی لحاظ شود و بعضی حالات دیگر ماه عددی.

حق این است که کلام مرحوم امام و آیت الله گلپایگانی که مقدار ماه هلالی را در نظر گرفته اند، صحیح است.

انتهای عبارت مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی چنین است: و يتعيّن ذلك بلا إشكال فيما إذا وقع التفريق بين الأيّام بتخلّل ما لا يضرّ بالتتابع شرعاً

یعنی در جایی که تخللی که به تتابع ضرر نمی زند، واقع شود، حتما باید سی روز را در نظر گرفت گرچه در صورت عدم تخلل قائل به کفایت مقدار ماه هلالی شویم.

تفصیلی که سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم امام بیان کرده اند که اگر تخللی نباشد، ممکن است گفته شود مقدار «شهرین» کفایت می کند؛ اما در صورت تخلل شصت روز باید روزه بگیرد، وجهی ندارد. از روایات هم چنین مطلبی استفاده نمی شود:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ تَنْذِرُ عَلَيْهَا صَوْمَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ قَالَ تَصُومُ وَ تَسْتَأْنِفُ‏ أَيَّامَهَا الَّتِي‏ قَعَدَتْ‏ حَتَّى‏ تُتِمَّ شَهْرَيْنِ قُلْتُ أَ رَأَيْتَ إِنْ هِيَ يَئِسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ أَ تَقْضِيهِ قَالَ لَا تَقْضِي يُجْزِئُهَا الْأَوَّل‏[[11]](#footnote-11)

سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ وَ عَبْدِ الْجَبَّارِ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ كَانَ عَلَيْهِ صِيَامُ‏ شَهْرَيْنِ‏ مُتَتَابِعَيْنِ‏ فَصَامَ‏ خَمْسَةً وَ عِشْرِينَ يَوْماً ثُمَّ مَرِضَ فَإِذَا بَرَأَ أَ يَبْنِي عَلَى صَوْمِهِ أَمْ يُعِيدُ صَوْمَهُ كُلَّهُ فَقَالَ بَلْ يَبْنِي عَلَى مَا كَانَ صَامَ ثُمَّ قَالَ هَذَا مِمَّا غَلَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَيْسَ عَلَى مَا غَلَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ شَيْ‏ءٌ.[[12]](#footnote-12)

از روایات استفاده می شود که همان حکمی که قبل از تخلل داشته، همان حکم را هم چنان دارد؛ یعنی اگر ماه هلالی را باید ملاحظه می کرد، باز هم پس از تخلل به همان صورت باید در نظر بگیرد. در نتیجه تفصیل مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم امام صحیح نیست. بله اگر کسی ملاک را در صورت عدم تخلل، ماه عددی ( سی روز) بداند، در صورت تخلل هم باید قائل به سی روز شود و حتی اگر در صورت عدم تخلل از ابتدای هلال آغاز کند، باز هم باید ملاک را سی روز بداند.

تفصیل بین شروع از اول ماه یا وسط ماه، همچنین تفصیل بین تخلل و عدم تخلل وجهی ندارد.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج2، ص291، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/2/291/%D9%81%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D9%85%D8%B1) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص86.](http://lib.eshia.ir/11005/3/86/%D8%A7%D9%84%D8%AB%D8%A7%D9%84%D8%AB%D8%A9) [↑](#footnote-ref-2)
3. [کتاب الطهارة، امام خمینی، ج 1، ص 228](http://lib.eshia.ir/10133/1/228/%D8%B5%D8%A7%D8%AF%D9%81) [↑](#footnote-ref-3)
4. [العروة الوثقی، سید یزدی، ج 1، ص 247](http://lib.eshia.ir/10028/1/247/%D8%A7%D8%A8%D8%AA%D8%AF%D8%A7%D8%A1) [↑](#footnote-ref-4)
5. المستند في شرح العروة الوثقى، الصوم‌2، ص 270‌ [↑](#footnote-ref-5)
6. المستند في شرح العروة الوثقى، الصوم‌2، ص 272 [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسيلة النجاة( مع تعاليق الإمام الخميني ره)، اصفهانى، ابوالحسن، ج 1، ص 591](http://lib.eshia.ir/11191/1/591/%D8%A3%D8%AB%D9%86%D8%A7%D8%A1) [↑](#footnote-ref-7)
8. [وسيلة النجاة( مع تعاليق الإمام الخميني ره)، اصفهانى، ابوالحسن، ج 1، ص 591](http://lib.eshia.ir/11191/1/591/%D8%A3%D9%88%D8%AC%D9%87%D9%87%D8%A7) [↑](#footnote-ref-8)
9. وسيلة النجاة (مع حواشي الگلپايگاني)، ج‌3، ص 23‌ [↑](#footnote-ref-9)
10. [تحریر الوسیله، السید روح الله الموسوی الخمینی، ج2، ص129.](http://lib.eshia.ir/21010/2/129/%D8%A7%D8%AB%D9%86%D8%A7%D8%A6%D9%87) [↑](#footnote-ref-10)
11. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج4، ص137.](http://lib.eshia.ir/11005/4/137/%D8%AA%D9%86%D8%B0%D8%B1) [↑](#footnote-ref-11)
12. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج4، ص284.](http://lib.eshia.ir/10083/4/284/%D9%85%D8%B1%D8%B6) [↑](#footnote-ref-12)